

## بررسی ساختار معماری دژشهر یا قلعه حسن آباد

محمدابراهیم زارعی\*

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

(از ص ۴۹ تا ۶۸)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۰۹

### چکیده

استان کردستان در منطقه غرب ایران قرار دارد. موقعیت جغرافیایی این منطقه از دیرباز موجب شده است که مورد یورش همسایگان غربی ایران از جمله آشوری‌ها قرار گیرد. بنابراین، ساکنان منطقه برای مقابله و حفاظت در برابر دشمنان در دوره‌هایی از تاریخ زیستگاه‌هایی را ایجاد نمودند که از ساختاری دفاعی و استحکامی برخوردار باشد. با بررسی و مطالعه این‌گونه زیستگاه‌ها می‌توان به ویژگی‌های فضایی - کالبدی و سازمان‌های اجتماعی آن‌ها دست یافت. یکی از این نمونه‌ها دژشهر حسن‌آباد در پنج کیلومتری غرب سنندج است که از آن برای مدت‌زمانی طولانی استفاده شده است. استفاده از این زیستگاه پس از یورش مغول‌ها در تاریخ ایران توسط والیان محلی اردلان، حائز اهمیت است. در این نوشته سعی شده تا به موقعیت جغرافیایی و توجه در مکان‌یابی، شکل‌گیری، نوع معماری و ساختار شهری، کارکرد و اهمیت این دژشهر در منطقه پرداخته شود. بنابراین، پرسش‌های این پژوهش این‌گونه قابل طرح است که آیا کارکرد این دژشهر یک قلعه نظامی بوده است؟ دوم، آیا ساختار آن با توجه به شرایط جغرافیایی قابل‌مقایسه با ساختار فضایی - کالبدی شهری است؟ بررسی میدانی و بقایای آثار نشان‌گر این است که این دژشهر یک قلعه صرفاً نظامی نبوده و در زمان آبادی دارای کهندژ با تالارهای بزرگ، فضاهای مسجد و مدرسه و بافتی از خانه‌های مردم ساکن در آن بوده است. این دژشهر برای مدتی مرکز ایالت (استان) کردستان بوده است. در نتیجه توافق سلیمان خان والی اردلان و شاه صفی صفوی، دژشهر حسن‌آباد به همراه سه دژشهر دیگر به نام‌های زلم، مریوان و پالنگان تخریب و شهر سنندج به جای آن‌ها به‌عنوان مرکز ایالت کردستان در سال ۱۰۴۶ ه.ق. ساخته شده است. روش تحقیق در این نوشته توصیفی - تاریخی تحلیلی است که بر بنیاد بررسی میدانی و مطالعات متون تاریخ محلی و کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: دژشهر، دوره صفوی، اردلان، استان کردستان

## مقدمه

استان کردستان در دوره‌های مختلف تاریخ نام‌هایی همچون سیسر، اردلان و کردستان داشته و بخشی از ایالت جبال بوده است. شرایط جغرافیایی منطقه و به‌ویژه کوهستانی بودن بخش عمده آن موجب شده تا زیستگاه‌هایی در آن ایجاد گردد که جنبه دفاعی آن‌ها برای مواجهه با دشمنان مرزهای غربی ایران اهمیت داشته باشد. بنابراین، شرایط زندگی هم متفاوت بوده است. موقعیت این نوع زیستگاه‌ها موجب شده که جمعیتی به مراتب فراتر از یک قلعه نظامی و دفاعی داشته باشند. قلعه‌های کوهستانی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود. گروه نخست زیستگاه‌هایی که صرفاً گروهی از قلعه‌نشینان که عمدتاً مخالفان حکومتی محسوب می‌شدند در آن سکونت داشتند و یا کارکرد نظامی داشته‌اند و می‌توان آن‌ها را یک قلعه نظامی قلمداد کرد؛ فضاهای آن هم شامل مرکز فرماندهی و سربازخانه، انبارها و برج و باروی پیرامونی است. گروه دوم از این زیستگاه‌ها ساختاری متفاوت دارد و علاوه بر فضاهای فوق شامل فضاهای کهن‌دژ، بازار، مسجد و مدرسه و از همه مهم‌تر خانه‌های مردم در سطحی گسترده است. همین مسئله موجب شده تا وسعت بیشتری نسبت به گروه نخست داشته باشند. با توجه به این تقسیم‌بندی قلعه حسن‌آباد در زمره دسته دوم قرار می‌گیرد. چون فضاهای آن در حد فضاهای شهری است و به همین دلیل در این نوشته دژشهر قلمداد می‌شود.

دلیل اطلاق این عنوان برای این زیستگاه این است که علاوه بر این که به عنوان یک مرکز نظامی و دفاعی در ارتفاعات محسوب می‌شد، مرکزی خاص برای حضور جمعیتی قابل توجه در حد جمعیت یک شهر کوچک بوده است. لزوماً همه شهرها هم دارای ساختار واحدی نبوده‌اند. گرچه، شکل فضایی - کالبدی این زیستگاه‌ها دقیقاً مطابق با فضاهای شهری در نقاط دیگر نیست، ولی با نمونه‌هایی در شرایط جغرافیایی مشابه قابل مقایسه‌اند.

پرسش‌ها و فرضیه‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: (۱) آیا قلعه حسن‌آباد یک قلعه نظامی و مرکز مخالفین حکومتی بوده؟ (۲) آیا ساختار آن با توجه به شرایط جغرافیایی قابل مقایسه با ساختار فضایی - کالبدی شهری است؟ براساس پرسش‌های مطرح شده می‌توان این فرضیه‌ها را بدین‌گونه بیان نمود: (۱) این دژشهر یک قلعه صرفاً نظامی و مرکز مخالفین نبوده و به مراتب وسیع‌تر از یک قلعه نظامی عملکرد داشته است. (۲) این محوطه در زمان آبادی دارای کهن‌دژ با تالارهای بزرگ، فضاهای مسجد و مدرسه و بافتی از خانه‌های مردم بوده و قابل مقایسه با ساختارهای شهری است.

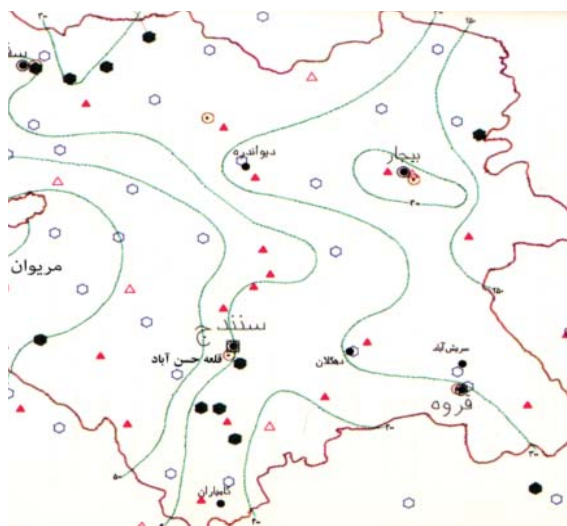
هدف این نوشته علاوه بر بررسی، مطالعه کامل و تحلیل داده‌های مربوط به دژشهر حسن‌آباد، مشخص نمودن یک ساختار شهری است که در یک زیست‌بوم کوهستانی با توجه به شرایط زمانی و مکانی ایجاد شده است. این پژوهش در پی آن است که اثبات نماید برخی از ساختارهایی که تحت نام قلعه از آنها یاد می‌شود، صرفاً یک قلعه نیستند، بلکه برخی از این قلعه‌ها و به‌ویژه قلعه حسن‌آباد دژشهر بوده و فراتر از یک قلعه کارکرد داشته است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تاریخی تحلیلی است که بر بنیاد بازدید و بررسی‌های میدانی و بررسی متون تاریخ محلی و مطالعات کتابخانه‌ای است. مطالعات میدانی نگارنده بررسی آثار سطح‌الارضی شامل جمع‌آوری نمونه‌های سفالی و پیمایش دقیق فضاهای تخریب شده معماری برای تشخیص دقیق

فضاها صورت گرفت و همین موجب شد تا آثار معماری همچون کهندژ و خانه‌های مردم و پایگان آب مشخص گردد. بنابراین، نتایج بازدید و بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای نوشته پیش‌رو است. پیشینه پژوهش این محوطه نشان می‌دهد که این زیستگاه وسیع مورد بررسی و مطالعه جامع و کامل قرار نگرفته است. هرچند که در برخی سایت‌های اینترنتی از جمله ویکی‌پدیا و سایت‌های محلی همچون سایت استانداری کردستان و ... مطالب جزئی و پراکنده‌ای ارائه شده، ولی آن نوشته‌ها عموماً بیان مطالب کلی است. در نتیجه بررسی‌های میدانی نگارنده در سال ۱۳۸۴ پرونده ثبتی اثر مهیا و به شماره ۱۱۷۵۸ در فهرست آثار ملی ثبت شده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۲۶). اگرچه این محوطه از نظر مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ و شهرسازی اهمیت دارد، ولی متأسفانه تاکنون مطالعات درخور توجهی درباره آن انجام نشده است. درباره این محوطه در متون تاریخ محلی کردستان اشارات مختصر ولی قابل توجهی تحت عنوان قلعه حسن آباد به همراه سه قلعه که مرکز ایالت کردستان بوده، شده است.

### موقعیت جغرافیایی و وجه تسمیه

روستای حسن آباد مرکز دهستان آبیدر در بخش مرکزی سنندج در موقعیت جغرافیایی طول ۴۶ و ۵۸ و عرض ۳۵ و ۱۵ در ارتفاع ۱۵۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد. فاصله آن تا شهر سنندج پنج کیلومتر است. این روستا در یکی از دره‌های کوه آبیدر و در غرب شهر سنندج واقع شده است (سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۳۸، ج پنجم). هرچند که حسن آباد از دوره صفوی تا دوره معاصر یکی از روستاهای مهم و مرتبط با شهر سنندج بوده و تا سه دهه پیش در حدود ۴۰۰ خانوار داشته است (لمبتون، ۱۳۷۷: ۲۳۴)، در حال حاضر به جمعیت آن افزوده شده و وسعت چشمگیری نیز یافته است (نقشه شماره ۱).



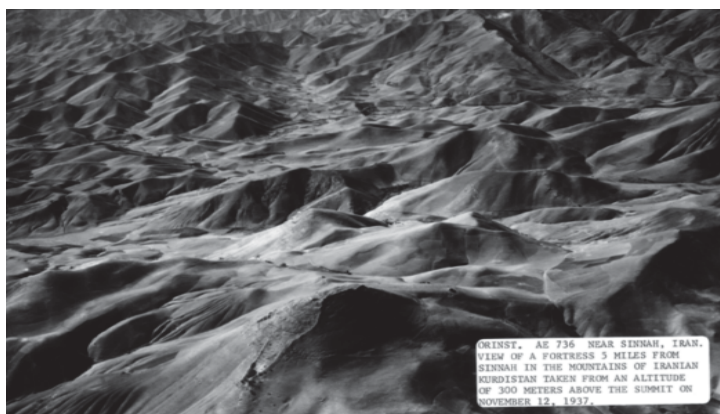
نقشه شماره ۱- استان کردستان و موقعیت دژشهر حسن آباد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، ۱۳۸۴)

در جنوب این روستا در طول جغرافیایی ۴۶' و ۵۷° و عرض جغرافیایی ۳۵' و ۱۴° بر روی بلندترین نقطه کوه آثار قلعه و یک محوطه مسکونی مهم قرار دارد. قلعه کوهی که دژشهر حسن آباد بر روی آن ایجاد شده، به علت صعب‌العبور بودن فقط از سمت غرب دسترسی به آن امکان‌پذیر است. ارتفاع نوک قلعه تا سطح

روستا در حدود ۳۶۰ متر است و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۴۴۰ متر است (زارعی و عزیزی، ۱۳۸۳: ۵)؛ (نقشه شماره ۲ و تصویر ۱).



نقشه شماره ۲- نقشه سایت و کوهی که دژشهر حسن‌آباد بر آن ساخته شده است (زارعی و عزیزی، ۱۳۸۳: ۱۲)



تصویر ۱- تصویر هوایی قلعه حسن‌آباد در ارتفاعات آبدیر که در سال ۱۹۳۷ میلادی تهیه شده است (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۲۳)

موقعیت جغرافیایی مهم این دژشهر از دیرباز موجب شده که یکی از قلاع چهارگانه کردستان در طول دوره‌ای باشد که ایران گرفتار یورش‌های مغولان بوده است. در این شرایط حاکمان محلی کرد اردلان توانستند از موقعیت قلعه‌های قدیمی مربوط به دوره‌های پیش از اسلام استفاده مناسبی برای کنترل و در اختیار گرفتن دو شاخه اصلی جاده ابریشم اعمال نمایند. نخستین شاخه آن همدان را به بغداد متصل می‌کرد. شاخه دوم که سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر بود با عبور از قلب سرزمین‌های اردلان یعنی حسن‌آباد، زلم، کرکوک و اربیل، همدان را به حلب وصل می‌کرد (اردلان، ۱۳۸۷: ۳۹؛ تاورنیه، ۱۳۴۶: ۱۳۲). این مسئله اهمیت منطقه حسن‌آباد را برای این دوره زمانی مشخص می‌کند. بنابراین موقعیت و مکان‌یابی این محل از زمان‌های دور تا پیش از تخریب که در نتیجه توافق والی کردستان و پادشاه صفوی رخ داده است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۲۲)، اقدامی هوشمندانه بوده که به تناوب در زمان‌های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. این دژشهر به عنوان یکی از نقاط مهم در ارتباط با کنترل یکی از شاخه‌های راه بزرگ تجاری- بازرگانی ابریشم نقش اساسی ایفا نموده است.

نام‌گذاری این قلعه و روستای مجاورش با استناد به متون تاریخ محلی مشخص است. حسن آباد نام خود را از یکی از والیان اردلان به نام حسن خان اردلان اخذ نموده است، او در سال ۷۷۴-۷۴۶ هـ ق این دژشهر را بازسازی نموده است. مورخان و جغرافیانویسان در متون تاریخ محلی از او به نام بانی یاد کرده‌اند (سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۳-۹۰؛ وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۸۴؛ مردوخ، ۱۳۷۹: ۳۱۵). باید به این نکته اشاره نمود که در دوره استفاده و جابه‌جایی‌های فصلی ساکنان آن، دژشهر دستخوش خرابی‌هایی شده بود، که هلوخان والی وقت کردستان در زمان شاه‌عباس صفوی آن را بازسازی نموده است. مستوره اردلان مورخ محلی نوشته است که «در حقیقت در جمیع بلاد قلعه و مکانی بدان رفیعی را خدای جهان نیافریده بود، چنانچه اوصاف آن در تاریخ‌های عالم و دفاتر مسطور است. خود حقیره دیده‌ام که ایلچی روس و انگیس در زمان امان‌اله خان (همزمان فتح‌علی‌شاه قاجار) به عزم سیاحت آن قلعه از راه کردستان عبور نموده و با وجود خرابی به تفرج و تماشای آثارش پرداختند» (اردلان، ۲۰۰۵: ۴۹).

هرچند که، متون قدیمی‌تر هم به موضوع قدمت این محوطه پیش از زمان اقدامات حسن خان اردلان اشاره‌ای نکرده‌اند، ولی شواهد و مدارک باستان‌شناسی از جمله استفاده از قطعات سنگ بزرگ در بخش پایینی و سنگ‌های در اندازه کوچک بارو و برج‌های این قلعه نشان‌گر قدمت این دژشهر پیش از سال‌های ۷۷۴-۷۴۶ هـ ق است. حال پرسش این است که چرا مورخان محلی به این موضوع مهم اشاره‌ای نداشته‌اند؟ به نظر می‌رسد در پاسخ به این پرسش دو عامل تعیین‌کننده بوده است؛ نخست این که شاید آن‌ها از قدمت این محوطه (دژشهر) آگاه نبوده‌اند، دوم این که بازسازی‌ها و اقدامات حسن خان آنقدر اهمیت داشته که بسیاری از مسائل به‌ویژه قدمت آن را تحت‌الاشعاع قرار داده است. بنابراین، آثار مربوط به گذشته و قدیمی‌تر به دلیل فاصله زمانی طولانی به فراموشی سپرده شده، ولی همان‌گونه که اشاره شد آثار این دژشهر به مراتب کهن‌تر از دوره ایلخانی است. اما این موضوع نافی مدت‌زمان استفاده حاکمان محلی اردلان از این زیستگاه نمی‌شود.

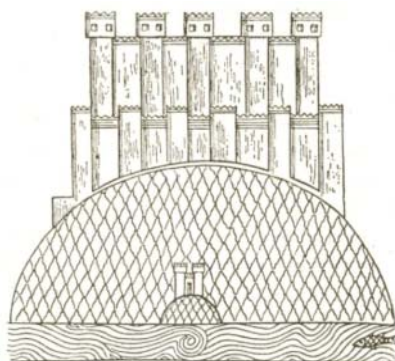
### مطالعات پیشین و سابقه تاریخی

درباره این دژشهر تحت عنوان قلعه حسن آباد، در متون تاریخ و جغرافیای محلی اشاراتی صورت گرفته که هریک از این نوشته‌ها ارزشمند هستند. از میان مورخان محلی کرد برای نخستین بار امیرشرف‌خان بدلیسی (۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۱۷) از قلعه حسن آباد یاد کرده است. او این قلعه را یکی از مراکز ایالت کردستان در دوره صفوی و پیش از آن قلمداد نموده است. از دیگر مورخان محلی وقایع‌نگار کردستانی در سال ۱۳۰۹ هـ ق. نوشته که در سال ۷۷۴ قمری حسن خان بر بالای کوهی در نزدیکی شهر سنندج قلعه‌ای را بنا کرد و در دامنه شمالی آن کوه، آبادی را بر پای کرد. قلعه و آبادی را موسوم به حسن آباد نمود. آن قلعه را پایتخت خود قرار داد. وی همچنین فرمان داد تا مجموعه‌ای از قوانین آموزش نظامی و نیز قوانین اداری تهیه گردد (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۸۴؛ مردوخ روحانی، ۱۳۷۱: ۲۳۳؛ اردلان، ۱۳۸۷: ۴۱). در کتب دیگری نیز از این قلعه یاد شده و عموماً به مرکزیت این محل در دوره حاکمان محلی اردلان اشاره گردیده است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۳). براساس نوشته خسروبن محمد معروف به مصنف یکی دیگر از مورخان محلی، در سال ۱۰۲۲ هـ ق. به برگزاری مراسمی در سالن بزرگ قصر حسن آباد اشاره شده است (مصنف، ۲۵۳۶: ۲۲). نکته مهم در این نوشته اشاره به سالن بزرگ قصر است. نگارنده در بررسی‌های میدانی این فضاها را شناسایی نمود که با نوشته‌های مصنف تا

حدود زیادی قابل انطباق است. در کتب دیگر نیز اکثراً اشاره‌های کوتاه به قلعه حسن‌آباد شده، هرچند، نوشته‌ها فاقد آگاهی‌های تفصیلی درباره این دژشهر بزرگ است (زارعی، ۱۳۸۱: ۱۷۴؛ اردلان، ۱۳۸۷: ۴۱؛ قسری، ۱۳۸۱: ۲۱)، نکته مورد اشاره و مشترک این نوشته‌ها این است که این محل یکی از دارالملک‌های کردستان تا پیش از احداث شهر سنندج در سال ۱۰۴۶ هـ.ق. بوده است.

دژشهر حسن‌آباد در دو دوره قابل بررسی و مطالعه است. دوره نخست آن پیش از اسلام است. منطقه‌ای که این دژشهر در آن قرار دارد، در سرزمین ماد واقع بوده است. بنا به گفته دیاکونوف، سرزمین مادها که از سمت شمال به رود ارس و قلعه‌های البرر و از مشرق به کویر لوت و از جنوب به سرزمین زاگرس محدود بوده است، به سه بخش تقسیم می‌گردد. بخش نخست آن «ماد آتروپاتن» است که سراسر ناحیه کنونی آذربایجان ایران و کردستان ایران را تشکیل می‌دهد (دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۷۹). بخش علیای رود زاب کوچک در ایالت ماد آتروپاتن، یعنی سراسر اراضی‌ای که از دریاچه ارومیه تا بخش‌های علیای رود دیاله ممتد بوده است (ناحیه شهرهای کنونی میان‌دوآب و بانه و سلیمانیه و زهاب و سنندج) «زاموآ» نامیده می‌شده و بخش علیای رود دیاله (مثلث شهرهای سلیمانیه - زهاب - سنندج) از اواسط قرن نهم «پارسوآ» نامیده می‌شده است. این دو ناحیه واجد اهمیت خاصی بوده‌اند، زیرا گردنه‌هایی که در این نواحی وجود داشته است، گذرگاهی به سوی شرق بوده و از طرف مغرب راه رسیدن به سرزمین ماد (راه‌های کاروان‌رو کنونی بانه - سنندج - همدان و سلیمانیه - زهاب - کرمانشاه - همدان) را می‌گشوده است. (دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۷۸). این دژشهر نیز در ناحیه‌ای مهم قرار داشته است. بنابراین با توجه مدارک فوق‌الاشاره، احتمال این‌که حسن‌آباد یکی از دژشهرهای مادی بوده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد. با توجه به اطلاعاتی که از کاوش‌های گورستان زاگرس در باختر شهر سنندج به‌دست آمده (Amelirad et al. 2011: 41-100)، آثار کشف‌شده در گورستان نیز مربوط به عصر آهن است (زارعی، ۱۳۸۷: ۲). بنابراین به نظر می‌رسد که با کاوش در دژشهر حسن‌آباد و پیرامون آن احتمالاً بتوان به آثاری از نمونه گورستان دامنه آبی‌در دست یافت.

مؤید مطالب بالا آگاهی‌هایی است که به تعدادی از قلعه‌های کوهستانی مربوط به دوره ماد در متون و نقش‌برجسته‌های آشوری اشاره شده است (دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۲۵۳؛ Gunter, 1982: 103-112). اهمیت استفاده از این نوع ساختار زیستگاهی به علت شرایط اجتماعی، سیاسی و نظامی بوده است. لذا بعید به نظر نمی‌رسد که یکی از آن دژهای کوهستانی مورد اشاره همین دژشهر حسن‌آباد بوده باشد (تصویر ۲).



تصویر ۲- یکی از دژهای کوهستانی مادی، در نقش‌برجسته‌های آشوری (دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۲۲۴)

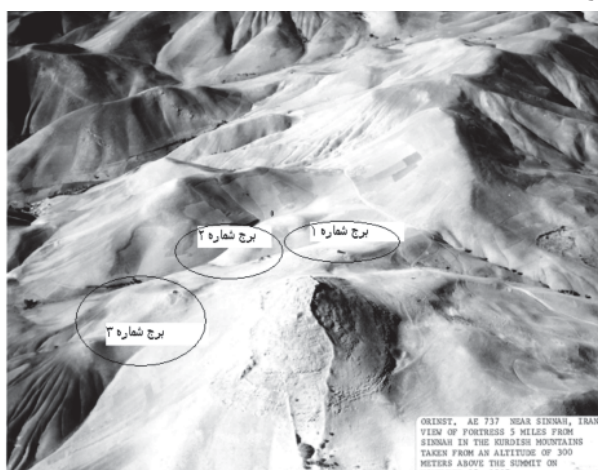
موضوع دیگری که اهمیت دارد، غرب ایران و منطقه کردستان و به‌ویژه محدوده پیرامونی قلعه پالنگان در کامیاران است که بارها مورد هجوم آشوری‌ها قرار گرفته است. آخرین یورش در حوالی سال‌های ۷۱۵ ق.م. است که در کتیبه تنگی‌ور کامیاران به آن اشاره شده است (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۰-۱۱). در این کتیبه به شهری به نام «کرلا» اشاره شده است. در برخی از نوشته‌های آشوری از منطقه‌ای به نام «آلبریه» نیز در پیرامون شهر سنندج یاد شده است که به نظر می‌رسد با دژشهر حسن‌آباد منطبق باشد (زارعی، ۱۳۸۶: ۷۷). مدارکی که درباره شهرهای غرب ایران عصر ساسانی ارائه شده نیز درخور تأمل است. در آن مدارک به ۲۸ شهر که ارماییل، گرماییل و کوهیاران آن‌ها را ساخته‌اند، اشاره شده است (تفضلی، ۱۳۶۸: ۳۳۵). کوهیاران کسانی هستند که در شاهنامه نیز از آنها یاد شده است، ارماییل و گرماییل مردم را از مرگ نجات می‌دادند و به کوه و دشت می‌فرستادند و کردان از نژادان اینان هستند (همان: ۳۴۲). این کوهیاران در ناحیه غرب ایران ساکن بوده‌اند. برج‌ها و باروی این زیستگاه از سنگ ساخته شده و ابعاد و اندازه سنگ‌ها در بخش پایین دیوار بزرگ و در بخش بالا کوچک و لاشه‌ای است. استفاده از سنگ‌های با ابعاد بزرگ برای ساخت‌وساز در قلعه‌ها از شیوه معمول و مرسوم در هزاره اول ق.م عصر آهن ۳ است. از نمونه‌های شاخص قابل مقایسه با این ساخت‌وساز از نظر معماری زندان سلیمان در تخت سلیمان آذربایجان غربی است که در آن از سنگ‌های با ابعاد بزرگ استفاده شده است (ناومن، ۱۳۷۴: ۲۷-۳۴). تفاوت در استفاده از سنگ‌های با ابعاد بزرگ در بخش پایینی برج‌وباروی دژشهر حسن‌آباد نشان‌گر این است که احتمالاً این برج‌وبارو در مقابل یورش‌های مهاجمان غربی به‌ویژه آشوری‌ها در عصر آهن ۳ و در دوره مادها ساخته شده باشد. در این دوره قلعه‌های بسیاری در اثر یورش‌های آشوری‌ها به منطقه تخریب شده است (Gunter, 1982: 103-112)، و احتمال آن که این قلعه نیز در اثر یورش آشوری‌ها خراب شده باشد بعید به نظر نمی‌رسد. شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد که پس از شکست آشوری‌ها توسط مادها در سال ۶۲۵ ق.م (مردخ، ۱۳۷۹: ۴۳)، نیازی به چنین زیستگاه‌هایی نبوده است. این اتفاق در قلعه زیویه (معمدی، ۱۳۷۶: ۳۵۷-۳۲۰) در شهرستان سقز نیز رخ داده، با شکست آشوری‌ها آن‌جا هم چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که آرامش به منطقه بازگشته باشد. هرچند که زیویه و حسن‌آباد از نظر ساختار کلی معماری در کوهستان قابل‌مقایسه هستند، شرایط جغرافیایی و به‌ویژه نوع مصالح مورد استفاده در آنها تفاوت‌هایی را به‌وجود آورده است. در شمال غرب ایران قلعه‌های اورارتویی، ماننایی و مادی (Gunter, 1982: 103-112) وجود داشته که به نظر می‌رسد پس از شکست و نابودی آشوری‌ها تا مدت‌ها بدون استفاده بوده‌اند. در برخی از این قلعه‌ها از جمله قلعه قمچقای در شهرستان بیجار آثاری از هزاره اول ق.م، دوره ساسانی و دوره‌های سلجوقی و ایلخانی وجود دارد (بابک، ۱۳۴۸: ۷۱-۶۴؛ کلایس، ۱۳۵۴: ۲۳۸) که نشان می‌دهد به دلیل نبود آشوری‌ها در صحنه تاریخ مدتی از این قلعه استفاده نشده است. بنابراین با توجه به مطالب فوق، با استناد به آثار و متون تاریخ محلی (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۸۴) این قلعه پس از تخریب در اثر حوادث میان ماد و آشور برای مدت زمانی طولانی - که بدون استناد به داده‌های کاوش باستان‌شناسی به‌طور دقیق مشخص نمی‌شود - استفاده نشده است.

دوره دوم ساخت‌وساز در دژشهر حسن‌آباد، مربوط به دوره اسلامی است، برای شناسایی و آگاهی از استقرار این دوره در دژشهر حسن‌آباد، مدارک سطح‌الارضی به جز آثار معماری برج و بارو و برخی بخش‌های ساختمانی در محوطه کمک شایانی به نشانه‌های استقراری پیش از دوره سلجوقی نمی‌کند، ولی با استناد به

متون تاریخ محلی تا حدود زیادی استقرار دوباره در این نوع محوطه‌ها را حداقل به اواخر دوره ایخانان می‌رساند. آنان بنیان‌های سازمان شهری کشور را از هم گسستند و شهرگرایی را نزدیک به یک قرن بی‌معنا ساختند. مدارکی در دست است که این موضوع را اثبات می‌کند. چون شهرهای بسیاری تا زمان هجوم مغول‌ها در منطقه وجود داشته است، و همین مسئله شرایط اقتضای حضور در این‌گونه زیستگاه‌ها را توجیه نمی‌کرده است. شهرهای این دوره همچون: دینور، سیسر، ماسبدان و ... که تا زمان یورش مغول‌ها رونق داشته است نشانه رویکرد به زندگی شهرنشینی در منطقه در این دوره زمانی است. با از بین رفتن شهرها رویکرد به دژشهرنشینی بنا به دلایل متعدد مورد توجه حاکمان محلی کردستان قرار گرفته و دژشهرهای حسن‌آباد، زلم، مریوان و پالنگان از این زمره‌اند.

### ساختار طبیعی و معماری دژشهر

وضعیت این کوه یا دژشهر به گونه‌ای است که از نظر سوق‌الجیشی اهمیت خاصی دارد، در عین حال که با رشته‌کوه‌های آبدار متصل و مرتبط است، ولی در نقطه‌ای، با کاهش ارتفاع از سایر قله‌های مرتفع مجزا گردیده است. این توپوگرافی موجب شده است که از گذشته به عنوان یک منطقه مهم نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار گیرد. قاعده این تپه به شکلی است که با شیب ملایمی به ارتفاعات غربی وصل شده است. در پیرامون آن چندین نهر و چشمه وجود دارد و از علل انتخاب این دژشهر و ایجاد روستای حسن‌آباد در دوره‌های بعدی، نخست موقعیت مناسب، دوم امکان بهره‌برداری از پایگان (منابع) آب بوده است. ساختار معماری و شهرسازی این دژشهر با توجه به شرایط توپوگرافی، پایگان (منابع) آب و ملاحظات دفاعی و دسترسی‌های مورد نظر شکل گرفته است. معماران و سازندگان ناخودآگاه در ایجاد باروها و برج‌های دژشهر تابع ساختار طبیعی کوه قرار گرفته‌اند. در فاصله معین از ساختار اصلی دژشهر سه برج دیده‌بانی منفرد قرار گرفته است (تصویر ۳).



تصویر ۳- تصویر هوایی از کوه‌های آبدار و دژشهر حسن‌آباد در سال ۱۹۳۷ میلادی (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۲۲)

**برج‌های نگهبانی:** در جهات غرب، جنوب و جنوب شرقی دژشهر بقایای سه برج نگهبانی با فاصله‌ای در حدود ۷۰ تا ۱۵۰ وجود دارد. از آثار و بقایای برج سنگی غربی اکنون بخش‌های زیادی تخریب شده است.



در فاصله حدود ۱۵۰ متری در جنوب شرقی آثار دومین برج نگهبانی واقع شده که تخریب بیشتری در آن صورت گرفته است. سومین برج با فاصله‌ای ۱۰۰ متری در جنوب قلعه قرار دارد که بخش‌هایی از دیوارچینی در بخش خاوری آن سالم است. قطر هر یک از این برج‌ها حدود ۱۵ متر است. با توجه به ویرانی بخش بالایی ارتفاع آنها قابل تشخیص نیست. سه برج مذکور جزء بناهای دیده‌بانی قلعه محسوب می‌شوند. با توجه به عکس هوایی که از این محوطه در دست است و در سال ۱۹۳۷ میلادی تهیه شده این برج‌های سه‌گانه در خارج از برج و باروی اصلی دژشهر قرار گرفته است (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۲۲). موقعیت قلعه به گونه‌ای است که احتمال دسترسی به آن فقط از جهاتی امکان‌پذیر بوده که برج‌های دفاعی سه‌گانه در آن نقاط قرار گرفته است. بنابراین تعداد برج‌های خارج از باروی دژشهر نباید بیشتر از بقایای تعداد موجود باشد (تصویر ۴).



تصویر ۴- تصویر هوایی از دژشهر حسن آباد توسط اریخ اشمیت در سال ۱۹۳۷ میلادی (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۲۲)

همان‌گونه که اشاره شد، موقعیت برج‌های سه‌گانه با فاصله‌ای معین محاسبه شده است. مکان‌یابی و ایجاد این برج‌ها نشان‌گر اهمیت زیستگاه بوده است. این دژشهر یا قلعه مورد هجوم نیروهای عثمانی قرار گرفته است و در همین قلعه، حسن‌خان حاکم محلی توانسته در برابر هجوم نیروهای عثمانی مقاومت نماید و آنها را شکست دهد (وقایع‌نگار کردستانی، همان: ۸۳). برج‌های نگهبانی و ساختار دژشهر با بناهای متعدد و کارکردهای خاص نشان می‌دهد که این زیستگاه بوسیله حسن‌خان اردلان با استناد به متون تاریخ محلی به عنوان مرکز ایالت کردستان بوده است. گواه این مدعا قوانین اداری و نظامی بوده که حسن‌خان در همین قلعه تدوین نموده است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۳؛ وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۸۳). تخریب‌ها نیز در نتیجه مرور زمان ایجاد نشده، بلکه در اثر یک عملیات هماهنگ انجام شده است. این موضوع مورد تأیید تاریخ‌نگاران محلی هم قرار گرفته است. بنابراین، بنا به قول مستوره اردلان (۲۰۰۵: ۷۰) دژشهر حسن‌آباد حسب‌الامر پادشاه به همراه سه قلعه دیگر زلم، مریوان و پالنگان تخریب شده است تا دیگر در وقت ضرورت پناهگاهی برای حکام کردستان نباشد. ضمناً سلیمان‌خان در دربار پادشاهی تعهد نموده بود که مرکز ایالت را از قلعه پالنگان به سنندج بیاورد (وقایع‌نگار کردستانی، همان: ۹۶). ذکر این نکته ضروری است که اگر از این زیستگاه‌ها در تواریخ محلی تحت نام قلعه یاد شده دلیلی بر این نیست که این ساختارها یک قلعه صرفاً نظامی بوده باشند، بلکه

بنا به نوشته وقایع‌نگار کردستانی (۱۳۸۱: ۹۱) در این قلعه‌ها مسجد، بازار و عمارات نیز وجود داشته است (تصویر ۵ تا ۷).



تصویر ۵- نمایی از بقایای برج نگهبانی شده شماره ۱ پیش از نزدیک شدن به دژ شهر حسن‌آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)



تصویر ۶- نمایی از بقایای برج نگهبانی تخریب شده شماره ۲ پیش از نزدیک شدن به دژ شهر حسن‌آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)



تصویر ۷- نمایی از بقایای برج نگهبانی تخریب شده شماره ۳ پیش از نزدیک شدن به دژشهر حسن‌آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)

**دژشهر:** بخش دوم و اصلی دژشهر حسن‌آباد، مجموعه‌ای عظیم از بقایای یک ساختار شهری و دفاعی را نشان می‌دهد. با توجه به آثار موجود و تصویر هوایی، برج و باروی عظیم سنگی پیرامون دژشهر را فرا گرفته است. در اضلاع شمالی و شرقی بخش‌های زیادی از برج و باروی قلعه با قطعات سنگ‌های بزرگ ساخته شده و در برخی بخش‌ها سه متر از ارتفاع آن باقی‌مانده است. آثار و بقایای بنای عظیم سنگی آن به صورتی است که دو نوع دیوارچینی متفاوت را نشان می‌دهد. بخش زیرین آن که با قطعات سنگ بزرگ ساخته شده و قابل مقایسه با برج و باروی قلعه قُم‌چُقّای در شهرستان بیجار که از قلاع دوره مانایی و مادی است و تا دوره ایلخانی استفاده شده است (کلایس، ۱۳۵۴: ۲۳۶) و بخش فوقانی استفاده از سنگ لاشه‌ای است. تفاوت در سنگ‌چینی دیوار نشان‌دهنده استفاده از قلعه در دوره‌های مختلف تاریخی است (تصاویر ۸ تا ۱۱).



تصویر ۸- نمایی از باروی اصلی سنگی در ضلع شرقی دژشهر حسن‌آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)



تصویر ۹ - نمایی از باروی اصلی با سنگ‌های بزرگ در ضلع شرقی دژ شهر حسن آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)



تصویر ۱۰ - نمایی از برج و باروی اصلی در شمال شرقی دژ شهر حسن آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)

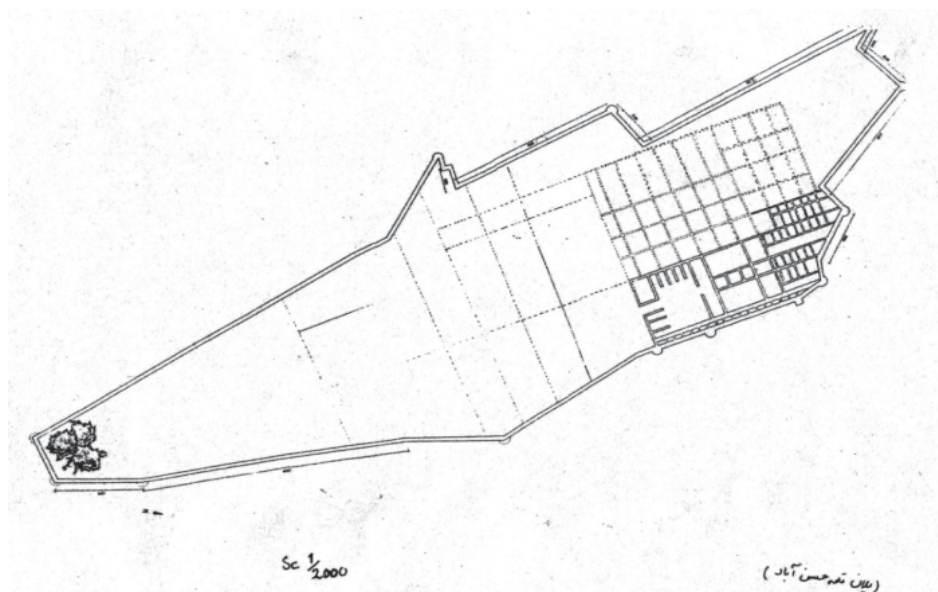


تصویر ۱۱ - برج اصلی دژ شهر حسن آباد که بر روی صخره ایجاد شده است. دید از سمت شرق (نگارنده، ۱۳۸۴)

ضخامت دیوار به بیش از یک متر در جهات مختلف می‌رسد. در بخش فوقانی داخل برج و بارو آثار یک بنای آجری بزرگ قرار دارد، هرچند که پراکندگی قطعات آجر در آن اندک است. به نظر می‌رسد طی دو

سده گذشته مردم روستای حسن‌آباد از آن به عنوان مصالح در ساختمان‌های روستا استفاده کرده باشند. بقایای آجرهای موجود در این بخش از قلعه نشانگر وجود یک ساختمان آجری بزرگ با طرحی منظم است. بارو و برج‌های این محوطه تا نقطه‌ای از شرق امتداد داشته که بتوانند چشمه اصلی آب آشامیدنی را در میان آن قرار دهند؛ و برآیند این امتداد نقشه‌ای تابع ساختار طبیعی کوه است. این موضوع هم در عکس هوایی و هم در بررسی‌های میدانی و نقشه به خوبی قابل مشاهده است. در زمان عکسبرداری هوایی در ۱۹۳۷ میلادی اشمیت از بقایای این قلعه تحت عنوان «حصاری در کوه‌های کردی» یاد نموده و نوشته است: این قصر کوهستانی از دورانی ناشناخته، بر بالای قلعه جنوبی سینه قرار دارد. کشف آن نمونه بارزی از ارزش کاوش‌های هوایی است. محوطه باستانی جالبی آثاری از یک بنای وسیع روی قله بزرگی را نشان می‌دهد، که بنایی چهارگوش با تقسیمات کوچک است. نهشته چهارگوشی نیز، زیر ورودی آن که به صورت محوی دیده می‌شود و به ساختمان سلطنتی راه دارد، برپاست. دیوار دفاعی تا فاصله قابل ملاحظه‌ای به سمت دامنه تپه کشیده شده که ظاهراً فقط به منظور در برگرفتن چشمه‌ای است که وجود آن فقط به خاطر یک درخت بلند و پرشاخ و برگ در کنار محدوده آن، معلوم می‌شود» (اشمیت، ۱۳۷۶، ۲۲۲ و شرح تصاویر، ۱۰۷-۱۰۶).

چشمه و درخت مورد اشاره اکنون نیز وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که این گسترش در نتیجه ساخت‌وساز خانه‌های مردم برای سکونت در دژشهر در زمان والیان اردلان در سمت شرق و شمال شرقی رخ داده است. صاحب *تحفه ناصریه* (سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۳-۹۰) نوشته است که این قلعه در سال ۷۷۴ هـ.ق توسط حسن‌بن خضر از حکمرانان دوره اول طایفه اردلان در کردستان ساخته شده است. او پس از چندبار جنگ با دولت عثمانی و وارد کردن شکست‌هایی بر آنان، برای دفاع در برابر حمله عثمانی‌ها تپه حسن‌آباد واقع در ۵ کیلومتری جنوب غرب سنندج را برای برپایی قلعه‌ای نظامی و حکومتی انتخاب کرد و در جانب شمال تپه نیز روستایی به نام خود برای اسکان مردم ایجاد نمود. این قلعه در نهایت استحکام ساخته شده و بعد از حسن‌خان اردلان طی ۳۰۰ سال یازده حکمران دیگر اردلان در آن فرمانروایی کرده‌اند. آخرین آنان به نام سلیمان‌خان، مقر حکومت خود را در سال ۱۰۴۶ هـ.ق به قلعه‌ای واقع در محل کنونی شهر سنندج انتقال داد. خود او نیز این قلعه را به همراه دو قلعه «زلم» و «پلنگان» به خاطر تعهدش به شاه صفوی ویران و تخلیه نمود (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۲۲). مردوخ (۱۳۷۹: ۲۶۳) معتقد است که این قلعه در تابستان مورد استفاده حاکمان محلی قرار داشته است. وضعیت طبیعی و اقلیمی منطقه هم مؤید این نظر است. با توجه به شرایط سیاسی که در دوره صفوی و پیش از آن در این منطقه ایران ایجاد شده، مردم و وابستگان والیان اردلان در این قلعه ساکن شده‌اند، به طوری که حدود تعداد خانه‌های ساخته شده آن را دو هزار و جمعیتی در حدود دوازده هزار نفر تخمین زده‌اند (Vasilyeva, 2000:4). حسن‌آباد برای مدت‌ها پس از ویرانی عمدی مورد توجه قرار داشته است. چون شهر سنندج در نتیجه درگیری میان والی کردستان و کریم‌خان‌زند، دستخوش ویرانی نیروی‌های کریم‌خان قرار گرفت. به طوری که مستوره اردلان (۲۰۰۵: ۱۳۲) نوشته است: «چون ولایت سنندج به علت هرج و مرج مدتی خراب بود و از آبادی افتاده بود، خسروخان مصلحت‌الامر، قلعه حسن‌آباد را مقر ایالت فرمود تا تعمیر ولایت شده باشد». این اتفاق در سال ۱۱۸۰ هـ.ق رخ داده است. تاریخ‌نگاران محلی دیگر هم به نوعی این موضوع را تأیید کرده‌اند. بنابراین، این دژشهر از یک ساختار شهری مناسب برخوردار بوده که پس از تخریب و ترک دوباره مورد استفاده قرار گرفته و ساکنان سنندج در آن مستقر شده‌اند (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳- کروکی محوطه دژشهر حسن‌آباد (آرشیو میات فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۴)

طی بررسی‌های باستان‌شناختی میدانی نگارنده در محوطه این دژشهر حجم عظیمی از بقایای دیوارهای سنگی ساختمان‌های مسکونی به صورت مخروبه در دامنه شرقی باقیمانده و تمام خانه‌ها از سنگ‌های لاشه‌ای که از معدن همان کوه تهیه گردیده، ساخته شده است. آثار و بقایای خانه‌ها به حدی گسترده است که تصویر یک بافت وسیع را می‌توان مجسم نمود. این آثار از هر نظر با ساختار کلی و معماری پلکانی یا کوهپایه‌ای منطقه اورامان، پالنگان و پیرامون سنندج قابل مقایسه است. دیوارهای فضاهای مسکونی خشکه-چین بوده است و بقایای پی دیوارها به‌خوبی قابل مشاهده و تشخیص است (تصاویر ۱۲ تا ۱۶).



تصویر ۱۲- نمایی از معماری روستای پالنگان (نگارنده، ۱۳۸۵)



تصویر ۱۳- نمایی از بقایای خانه‌های ویران شده دژشهر حسن آباد که به نظر می‌رسد با توجه به ساختار معماری این‌گونه فضاهای زیستگاهی، دیوارچینی‌ها خشکه چین و بدون ملات بوده است (نگارنده، ۱۳۸۴)



تصویر ۱۴- نمایی از مصالح سنگی دیوارخانه‌های مسکونی دژشهر حسن آباد (نگارنده، ۱۳۸۴)

**سفالینه‌ها:** در بررسی‌های باستان‌شناختی این قلعه علاوه بر آثار و بقایای معماری که در بالا بدان اشاره شد، قطعات اندک سفالینه که اکثراً خردشده هستند، بدست آمده است. مشخصات سفال‌های به‌دست آمده بدین شرح است؛ الف) قطعات سفالینه چرخ‌ساز، که با خمیره نخودی سیاه شده با حرارت و پخت نامناسب و پوشش گلی قرمز رنگ هستند. ب) قطعات سفالینه دست‌ساز، با پخت ناقص و خمیره قهوه‌ای‌رنگ بر اثر حرارت نامناسب و پوشش صیقلی و براق می‌باشند. قطعات سفالینه مربوط به ظروف چرخ‌ساز عمدتاً بزرگ و معمولی با خمیره قرمز که پخت آنها نیز کامل است. سفال‌های سطح تپه عموماً مربوط به دوره اسلامی است (زارعی، ۱۳۸۶: ۷۵) و نمونه‌ای مرتبط با دوره پیش از اسلام یافت نشده است. البته این دلیل عدم وجود سفالینه در این بازه زمانی نیست؛ بلکه به احتمال فراوان در کاوش باستان‌شناسی سفالینه مربوط به دوره پیش از اسلام به‌دست خواهد آمد. جنس سفالینه‌ها نشان‌گر استفاده روزمره آنها توسط ساکنان است. سفالینه‌های شاخص دوره‌های تاریخی و اسلامی در سطح زمین به‌دست نیامده است اما این مسئله دلیل عدم استفاده از این گونه اشیاء نبوده، بلکه در اثر گذشت زمان و ویرانی و تخلیه عمدی این زیستگاه مهم،

این آثار کمتر در سطح‌الارض مشاهده می‌شود. بنابراین کاوش باستان‌شناسی نتایج مطلوب‌تری را در این زمینه برای آن در پی خواهد داشت.

با توجه به مشخصات سفالینه‌ها و ساختار معماری دژشهر و نوع مصالح آن، تاریخی به مراتب قدیمی‌تر از دوره اسلامی برای آن پیشنهاد می‌گردد و به نظر می‌رسد که با توجه به آثار قابل‌مقایسه در زندان سلیمان و قلعه قم‌چقای بیجار از عصر آهن ۳ و دوره‌های تاریخی، دژشهر حسن‌آباد هم ساختاری از عصر آهن ۳ و دوره تاریخی به‌ویژه از دوره ماد داشته باشد، اما در دوره اسلامی توسط خاندان اردلان به عنوان یک دژشهر و مقر حاکمیت آن‌ها از اواسط قرن هشتم تا قرن دوازدهم هـ.ق مورد استفاده قرار گرفته و به نام یکی از والیان اردلان معروف شده است.

### اهمیت دژشهرها در ساختار حکومت محلی والیان اردلان

به طوری که در بالا بدان اشاره شد، حمله مغول به ایران منجر به احیاء چهار قلعه محکم در نقاط مختلف کردستان و ظهور خاندان اردلان گردید. خاندان اردلان خود را از نوادگان اردشیر بابکان ساسانی می‌دانستند. بازسازی و احیاء چهار قلعه زلم، پالنگان، مریوان و حسن‌آباد که آثار پیش از اسلام در هر چهار قلعه به‌طور کامل مشهود است. اگرچه هیچ‌کدام از این چهار قلعه در دوره ایلخانان ساخته نشده‌اند، در این دوره ناامنی تعدادی از قلعه‌های قدیمی با موقعیت مناسب به‌وسیله حاکمان محلی کردستان بازسازی مجدد شدند. ذکر این نکته هم ضروری است در کردستان قلعه‌های بسیاری همانند قلعه زیویه، کرفتو، قم‌چقای بیجار، قلعه‌هایی و در حوالی شهر سنندج قلعه‌های؛ کسوانان آسوله، قلعه باباریز، قلعه کهنه و قلعه زاگرس قرار داشتند (زارعی، ۱۳۸۶: ۷۶)، ولی چهار قلعه زلم، مریوان، پالنگان و حسن‌آباد موردتوجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، شواهد و مدارک همه نشان‌گر اهمیت به این نوع ساختارهای معماری است که علاوه بر دارابودن ساختاری اداری و حکومتی و مسکونی، ساختاری تدافعی نیز دارند و از دوره پیش از اسلام برای حفظ اقتدار حکومت‌ها و برخی گروه‌های خواهان به‌قدرت‌رسیدن، وجود داشته‌اند (تصویر ۱۵ و نقشه شماره ۴).



تصویر ۱۵- نمای آثار معماری و سکوسازی در دژشهر پالنگان در شهرستان کامیاران (نگارنده، ۱۳۸۴)





نقشه شماره ۴- نقشه موقعیت قلعه‌ها یا دژشهرهای مرکز ایالت کردستان، پیش از ایجاد شهر سنندج (زارعی، ۱۳۸۶)

چهار دژشهر مورد اشاره، به ترتیب زمانی و فصول سال محل اقتدار و فرمانروایی خاندان اردلان بوده‌اند و این عامل بسیار مهمی در استقرار در دژشهرها است. قلعه زلم نخستین مرکز حکومتی خاندان اردلان است (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۸۲؛ سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۱). در ادامه مرکز قدرت از آنجا به پالنگان در جنوب سنندج که آثار مربوط به دوره پیش از اسلام در آن شناسایی شد، انتقال یافت. در این شرایط بود که کلول (والی اردلان) قدرتش را گسترش داده و قلمرو اردلان به نواحی دیگری با بازسازی دو قلعه دیگر، در شرق مریوان و حسن‌آباد در ۵ کیلومتری جنوب سنندج، توسعه یافت. موقعیت‌های این قلعه‌ها به‌ویژه اگر آن‌ها را در ساختار خطی بررسی نماییم، کل قلمرو اردلان را دربر می‌گیرند. همان‌گونه که تاریخ‌نگاران اشاره دارند هر قلعه در برگیرنده عناصر اصلی یک شهر سنتی ایرانی از قبیل بازار، مسجد، حمام در غیاب شهر مرکزی فعال در منطقه بوده است. در بررسی‌های میدانی نگارنده، آثار مسجد سور، بازار، حمام و بارو هنوز در قلعه مریوان به‌خوبی قابل مشاهده است. در قلعه پالنگان بقایای سکوها از دوره پیش از اسلام و ساخت مدرسه، مسجد، بازار بر این سکوها در دوره اسلامی، این نکته را تأیید می‌نماید و مردم ساکنان و وابسته به حکومت محلی در این دژشهرها زندگی می‌کردند، دژشهر حسن‌آباد به عنوان کاخ تابستانی که اشمیت از آن یاد می‌کند (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۲۲). دارای ساختمان ارگ، و بافت شهر در دامنه شرقی تپه و بازار، حمام و مسجد بوده است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶- نمایی از بخش کهندژ و قصر که ویران شده است (نگارنده، ۱۳۸۴)

مردوخ (۱۳۷۹:۳۲۴) معتقد است این دژشهرها را به‌عنوان مرکز سیار برای حفظ قدرت اردلان‌ها و متناسب با تغییرات آب‌وهوایی به‌کار می‌گرفته‌اند. هلوخان این دژشهرها را به ترتیب زیر مورد استفاده قرار می‌داده است: زلم به‌عنوان قلعه زمستانی، مریوان در طی پائیز، پالنگان در بهار و حسن‌آباد در تابستان، که از همه مهم‌تر قلعه حسن‌آباد است. در زمان خان‌احمدخان فرزند هلوخان جمعیت آن معادل یک شهر متوسط برابر ۲۰۰۰ خانوار که نسبت فAMILI داشته یا حداقل ۱۲۰۰۰ نفر بوده است (Vasilyeva, 2000: 4). هرچند که مبنای برآورد واسیلیوا به‌طور دقیق مشخص نیست، آثار به‌جای‌مانده همچون بقایای ساختار مسکونی و مرکز تشکیلات اداری نشان‌گر این است که زیستگاه، جمعیت قابل‌توجهی داشته است. شرایط آب‌وهوایی منطقه و ملاحظات سیاسی بر کاربرد مراکز سیار مؤثر بوده است. هوای بهاری خوب در پالنگان با چشم‌اندازهای طبیعی (آبشارهای دائمی) آن را به‌عنوان مرکز حاکمان اردلان در بهار و زلم با آب‌وهوای معتدل (گرم) به‌عنوان قلعه زمستانی برگزیده شده بود. ظاهراً حملات در تابستان به اردلان‌ها آن‌ها را مجبور نمود که دژشهر حسن‌آباد را برای این کار بازسازی و احیاء نمایند. البته به‌کارگیری پایتخت‌های سیار با مشخصاتی که در بالا بدان اشاره گردید، از نظر سیاسی به نفع اردلان‌ها بوده و کنترل آن‌ها را بر منطقه افزایش می‌داده است. هلوخان تا حدودی وابستگی سیاسی در امپراطوری ایرانی و عثمانی را نادیده گرفته بود، پسرش خان‌احمدخان با ضرب سکه نشان عدم وابستگی را داشت. به طوری که سنجی نوشته است: «...خطبه منابر و سکه و دنانیر را به‌نام خود زیب و زینت داده...» (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۱۹۴ و ۱۲۰). بنابراین، به استناد مدارک باستان‌شناسی و متون تاریخ محلی، در حدود چهار قرن، دژشهرهای کردستان به‌صورت یک ساختار غیردائمی شهری حضوری چشمگیر در عرصه کنترل و اعمال سیاست‌های خاندان اردلان بر منطقه کردستان داشته‌اند. در این میان نقش دژشهر حسن‌آباد به دلایلی که بدان‌ها اشاره شد از همه پررنگ‌تر و چشم‌گیرتر بوده است.

### نتیجه

مدارک و شواهد نشان می‌دهد که در ایران دو دوره دژشهرنشینی به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی برقرار بوده است، دوره نخست همزمان با اقتدار دولت آشور در غرب ایران است. یورش‌های بی‌شمار آشور به غرب ایران همسایگان‌شان را مجبور نمود به نقاطی پناه ببرند و به‌عنوان زیستگاه انتخاب نمایند که مناسب دفاع در برابر یورش‌های بی‌امان آنان باشد. مدارک و شواهد کافی نشان می‌دهد که پادشاهن آشوری به صراحت از تخریب دژها و استحکامات محکم مغلوبین خود سخن به میان آورده‌اند. در کتیبه تنگی‌ور در نزدیکی کامیاران به صراحت به این موضوع اشاره شده است. از زمان اقتدار مادها و پس از آن در دوره‌های هخامنشی، پارت، ساسانی و حتی تا پایان عصر سلجوقی و زمان ایلغار مغولان، دیگر از دژشهرها به‌عنوان یک نقطه زیستگاهی مهم استفاده نشده است، جز تعدادی از آن‌ها که مورد استفاده اسماعیلیان قرار گرفته‌اند. دوره دوم با هجوم مغولان آغاز می‌شود؛ مغول‌ها تمدن و فرهنگ ایرانی را در تمام نقاط به‌ویژه منطقه کردستان ویران نمودند و مردم این منطقه را به کوهستان‌های دوردست راندند تا به زندگی عشایری بازگردند؛ اقوام و فرهنگ‌های متعددی برای همیشه از میان رفتند؛ شهرهای پررونق گذشته همچون دینور و سیسر ویران شدند؛ منطقه کردستان به اجبار به محل عبور برای عشایر ترک کوچرو تبدیل شد که عازم نبرد

با مملوک‌ها و بیزانسی‌ها می‌شدند. در همین دوره است که پناه بردن به دژهای قدیمی و تبدیل آن‌ها به یک مرکز زیستگاهی مهم برای مردم آواره از شهرها و حتی روستانشینان پیرامون قلعه مهیا گردید، و امکانات درخور توجهی در این دژشهرها یا قلعه‌ها ایجاد شد. در قلمرو تحت حاکمیت محلی خاندان اردلان از قرن ششم هجری تا اواسط دوره صفوی از چهار قلعه به نام‌های زلم، پالنگان، مریوان و حسن‌آباد یاد شده است. این قلعه‌ها به تناوب و بنا به مقتضیات زمان و همچنین فصول مختلف سال مورد استفاده حاکمان اردلان و جمعیتی که همراه آن‌ها بوده قرار می‌گرفته است. از این قلعه‌ها به‌عنوان مراکز ایالت (استان) کردستان یاد شده است. قلعه حسن‌آباد و قلاع فوق‌الذکر، صرفاً یک دژ دفاعی نبوده، بلکه در همه آن‌ها ساختارهای شهری از جمله کهن‌دژ، بازار، مسجد، مدرسه و خانه‌های مردم ایجاد شده تا زیستگاهی مناسب باشد. دژشهر حسن‌آباد نمونه‌ای شاخص از این زیستگاه‌ها است. به نظر می‌رسد که حداقل دو تا سه‌هزار نفر جمعیت در این دژشهر زندگی می‌کرده‌اند. در مهم‌ترین نقطه این دژشهر بناهای حکومتی ایجاد شده بود، و در بخش خاوری و روی به سوی طلوع خورشید خانه‌های مردم مستقر در دژشهر جای داشتند. داده‌های سطحی و بقایای تخریب شده این بخش از زیستگاه قابل‌مقایسه با معماری کهن منطقه یعنی معماری پلکانی است. در پایان باید اشاره نمایم که برای شناختی روشن از ساختار این دژشهر یک برنامه پژوهش میدانی باستان‌شناسی پیشنهاد می‌گردد، تا چهره واقعی آن به درستی شناخته و معرفی شود. تا زمان انجام این برنامه، باید آن‌را به عنوان یکی از دژشهرهای مهم در ایران تا قرن دوازدهم هجری قمری یاد نمود که مدت‌ها در منطقه غرب ایران مورد توجه بوده است.

## منابع

- اردلان، مستوره، (۲۰۰۵)، *تاریخ لاکراد*، تصحیح: جمال احمدی آیین، اربیل، آراس.
- اردلان، شیرین، (۱۳۸۷)، *خاندان کرد اردلان در تلاقی امپراتوری‌های ایران و عثمانی*، مترجم: مرتضی اردلان، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اردلان، خسرو بن محمد (مصنف)، (۲۵۳۶)، *لب التواریخ (تاریخ بنی اردلان)*، تهران، بی نا.
- اشمیت، اریخ، (۱۳۷۶)، *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*، ترجمه: آرمان شیشه‌گر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بابک، جواد، (۱۳۴۸)، *دژ قمچی‌خای*، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، وزارت فرهنگ و هنر شماره سوم، تابستان، صص ۷۱-۶۴.
- بدلیسی، امیرشرف خان، (۱۳۷۳)، *شرف‌نامه (تاریخ مفصل کردستان)*، به کوشش محمد عباسی، تهران، علمی.
- پازوکی، ناصر و عبدالکریم، شادمهر، (۱۳۸۴)، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۴۶)، *سفرنامه تاورنیه به ایران*، به اهتمام حمیدشیرانی، اصفهان، قافیه.
- تفضلی، احمد، (۱۳۶۸)، «شهرستان‌های ایران (رساله پهلوی)»، *شهرهای ایران*، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، صص ۳۳۲-۳۴۹.
- دیاکونوف، ام، (۱۳۷۸)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
- روحانی، بابامردوخ، (۱۳۸۲)، *تاریخ مشاهیر کرد*، سه جلد، تهران، سروش.
- زارعی، محمدابراهیم و اقبال عزیزی، (۱۳۸۳)، *پرونده ثبتی قلعه حسن‌آباد*، آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).

- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۱)، *سیمای میراث فرهنگی کردستان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، هنرروز.
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۳)، «کتیبه و نقش برجسته تنگیور»، *نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی*، شماره ۷، تابستان صص ۳۰-۱۱.
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۲الف)، *گزارش بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان سنندج*، آ.س.م. کردستان، (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۲ب)، *گزارش مقدماتی گمانه‌زنی و کاوش‌های باستان‌شناسی سنه‌دژ*، آ.س.م. کردستان (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۶)، *سیمای میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری کردستان*، سنندج، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.
- سازمان جغرافیایی ارتش، (۱۳۳۸)، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، جلد ۱۰، ج پنجم، استان کردستان و کرمانشاهان، تهران، سازمان جغرافیایی ارتش.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، (۱۳۸۴)، *نقشه شهرستان سنندج*، سنندج، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان.
- سنندجی، میرزا شکرالله، (۱۳۶۶)، *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*، به کوشش حشمت‌اله طبیبی، تهران، امیرکبیر.
- شریف قاضی، محمد، (۱۳۸۱)، *زبده‌التواریخ سنندجی*، به کوشش محمدرفوف توکلی، تهران، توکلی.
- قصری، محمد کامبیز، (۱۳۸۱)، *سنندج دارالایاله کردستان ایران*، سنندج، دانشگاه کردستان.
- کردستانی، مستوره (ماه شرف خانم)، (۱۳۳۵)، *تاریخ اردلان*، به کوشش ناصر آزادپور، سنندج، چاپخانه بهرامی.
- کلیس، والفرام و دیگران، (۱۳۵۴)، *گزارش‌های سفرهای باستان‌شناسی در ایران*، (سفرهای سال ۱۹۷۱، دژ قم‌چقایی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتون، ا.ک.س، (۱۳۷۷)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه، منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی.
- مردوخ، محمد، (۱۳۷۹)، *کرد و کردستان (تاریخ مردوخ)*، تهران، نشر کارنگ.
- معمودی، نصرت‌الله، (۱۳۷۶)، «زیویه جلوه‌گاه معماری مانانایی و مادها»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ارگ بم کرمان، جلد نخست، صص ۳۲۰-۳۵۷.
- ناومن، رودلف، (۱۳۷۴)، *ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان*، برگردان: فرامرز نجدسمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نجفی، سید یدالله، (۱۳۶۴)، *جغرافیای کردستان*، تهران، امیرکبیر.
- وقایع‌نگار کردستانی، میرزا علی‌اکبر، (۱۳۸۱)، *حدیقه ناصری و تحفه الظفر*، تصحیح محمدرفوف توکلی، تهران، توکلی.

Amelirad, S., B. Overlaet & E. Haerincq, (2011), The Iron Age "Zagros Graveyard" Near Sanandaj (Iranian Kurdistan): Preliminary Report on the First, *Iranica Antiqua*, vol. XLVII SEASON.P.P.41-100.

Gunter. Ann, (1982) Repositions of Urartian and Western Iranian Fortress Architecture in The Assyrian Reliefs IRAN.Vol .XX. London. p. p. 103-112.

Vasilyeva, E.I.(2000), The Kurdish City of Sanandaj, Ardalan's Capital' Paris.